

## رابرت وانوی ، مبانی پیشگویی کتاب مقدس، سخنرانی ۸

T/F پیام نبوی و پیامبران

ج (مسائل سیاسی

ما به پیام پیامبران با محوریت چهار حوزه نگاه می‌کنیم - ما به روابط دینی-الهیاتی و اخلاقی- اجتماعی نگاه کردیم و این ما را به «مسائل سیاسی» می‌رساند.

### ۱. اسرائیل

پیامبران اغلب در مورد مسائل سیاسی صحبت می‌کنند. در این کشور، کلیسا و سیاست (سموئیل از هم جدا نگه داشته می‌شوند. اما می‌توان گفت که پیامبران هنگام صحبت در مورد مسائل سیاسی، دو تمرکز متفاوت داشتند. یکی سیاست داخلی بود و این به ویژه مربوط به رابطه پادشاه با عهد و اینکه آیا او نقش خود را به عنوان یک پادشاه واقعی عهد انجام می‌داد یا خیر. اگر به تاریخ پادشاهی برگردید، به یاد خواهید آورد که پادشاهی توسط یک پیامبر، سموئیل، تأسیس شد. او ابتدا شائول را مسح کرد و سپس پس از آنکه کلام خداوند، شائول را رد کرد، خداوند به سموئیل گفت که برود و به شائول بگوید: «چون مرا رد کردی، من هم تو را رد کردم.» سپس او سموئیل را به بیت لحم، به خانه یسی فرستاد، جایی که داوود را به جای شائول به عنوان پادشاه مسح کرد. بنابراین، از همان ابتدا، پادشاه تابع کلام پیامبر بود. پیامبران وقتی پادشاهان از مسئولیت‌های عهد خود منحرف می‌شدند، از رفتن و مقابله با آنها دریغ نمی‌کردند.

بنابراین، پیامبری مانند الیاس، در اول پادشاهان ۱۷، بیرون می‌رود و ب (الیاس - اول پادشاهان ۱۷ با پادشاه اخاب روبرو می‌شود. ما به اول پادشاهان ۱۷:۱ نگاه می‌کنیم: «و ایلای تشبی، اهل تشبی در جلعاد، به اخاب گفت: به حیات خداوند، خدای اسرائیل که من او را خدمت می‌کنم، قسم که در چند سال آینده شبنم و باران جز به کلام من نخواهد بود.» این نمونه‌ای از پیامبران است. آنها در مواجهه با پادشاهان بی‌باک هستند.

### ج (اشعیا ۷

اشعیا همین کار را با آحاز در اشعیا ۷:۳ انجام می‌دهد: «خداوند به اشعیا گفت: تو و پسرت شاریاشوب بیرون بروید تا آحاز را در انتهای قنات برکه بالایی، در راه مزرعه رختشویان ملاقات کنید.» این در یک مکان عمومی است.» به او بگویید: «مراقب باشید، آرام باشید و نترسید. به خاطر این دو ته هیزم دودآلود - به دلیل خشم شدید رصین و آرام و پسر رملیا - دلسرد نشوید. آرام، افرایم و پسر رملیا نقشه نابودی شما را کشیده‌اند و گفته‌اند: «بیایید به یهودا حمله کنیم.»» این زمانی بود که فتح اسرائیل و

رصین سوریه تهدید کردند که آهاز را بر تخت یهودا جایگزین خواهند کرد. به عبارت دیگر، پادشاهی شمالی با سوری‌ها یا ارام متحد شد تا از شر آهاز بر تخت یهودا خلاص شود. حالا آهاز چه کار می‌کند؟ او پشت سر رصین و فحج به سمت آشوریان می‌رود و با آشور متحد می‌شود. آشوریان پایین می‌آیند و فشار را از روی آهاز برمی‌دارند و به نظر می‌رسد که ممکن است موفق شده باشد. اما این چیزی نیست که خداوند می‌خواست او انجام دهد. او در آیه 7 می‌گوید: «خداوند متعال چنین می‌گوید: این اتفاق نخواهد افتاد، نخواهد افتاد، زیرا سر ارام دمشق است و سر دمشق فقط رصین است. در عرض شصت و پنج سال، افرایم آنقدر خرد خواهد شد که دیگر نمی‌تواند یک قوم باشد. سر افرایم سامره است و سر سامره فقط پسر رملیا است. اگر در ایمان خود استوار نباشید، به هیچ وجه پایدار نخواهید ماند.» خدا می‌گوید که آنها باید به او اعتماد کنند. «من شما را از این مردم نجات خواهم داد» «و آهاز از انجام این کار خودداری کرد. او ترجیح داد به آشور اعتماد کند تا به خداوند. بنابراین، انبیا وقتی پادشاهان گمراه می‌شوند، با آنها روبرو می‌شوند.

گاهی اوقات، پادشاهان از پیامبران کلام را جویا می‌شوند. در د (دوم پادشاهان ۱۹ و ۲۲ حزقیا و یوشیا دوم پادشاهان ۱۹، حزقیا اشعیا را در مورد موقعیتی که با آن روبرو بود و کاری که باید انجام دهد، فرا می‌خواند. در دوم پادشاهان ۲۲، یوشیا به دنبال هولده می‌رود - این زمانی است که کتاب قانون در معبد پیدا شد - و آن را نزد هولده می‌برد تا ببیند او از جانب خداوند چه می‌گوید. بنابراین، این رابطه بین پادشاه و پیامبران وجود دارد.

اگر به صفحه ۷ نقل قول هایتان نگاه کنید، ووس می‌گوید: «ظهور و توسعه‌ی نبوت به این جنبش ایجادکننده‌ی پادشاهی، وابسته است. پیامبران، نگهبانان تنوکراسی در حال ظهور بودند و این نگرهبانی در مرکز آن، یعنی پادشاهی، اعمال می‌شد. هدف این بود که آن را به عنوان نماینده‌ی واقعی پادشاهی یهوه حفظ کنند. گاهی اوقات تقریباً به نظر می‌رسد که پیامبران به جای مردم، برای پادشاهان فرستاده شده‌اند.» پادشاه رهبر بود. پادشاه مسئول بود تا نوعی رهبری را ارائه دهد که مردم را به اطاعت از پیمان فرا بخواند و اگر این کار را نمی‌کردند، پیامبران با پادشاهان مقابله می‌کردند. بنابراین، این مربوط به چیزی است که شما می‌توانید از نظر سیاسی آن را «مسائل داخلی» بنامید.

## روابط خارجی (۲)

در مورد روابط خارجی، پیامبران نیز حرف‌های زیادی برای گفتن داشتند. در اینجا کاری که آنها انجام دادند مخالفت با اتحاد با ملت‌های بت‌پرست بود.

الف (آحاز با آشور اتحاد برقرار کرد  
 آحاز با آشور اتحاد برقرار کرد، که توسط اشعیا محکوم شده است. اگر به اشعیا 30 آیه 1 نگاه کنید، اشعیا می‌گوید: «وای بر فرزندان لجوج، خداوند می‌گوید، بر آنانی که نقشه‌هایی را که از آن من نیست، اجرا می‌کنند، اتحادی تشکیل می‌دهند، اما نه از روح من، و گناه بر گناه انباشته می‌کنند. آنانی که بدون مشورت با من به مصر می‌روند. آنانی که به دنبال کمک برای حمایت فرعون و به سایه مصر پناه می‌برند.» به عبارت دیگر، اسرائیل کجا می‌توانست امنیت خود را پیدا کند؟ در اتحاد با پادشاهان و ملت‌های بت‌پرست، چه آشور باشد و چه مصر؟ خیر. شما باید به خداوند اعتماد کنید، در راه عهد گام بردارید و خود خداوند محافظ آنها خواهد بود. بنابراین، اشعیا می‌گوید: «وای بر شما که از فرعون کمک می‌خواهید.» این بسیار شبیه به فصل ۳۱ است: «وای بر آنان که برای کمک به مصر می‌روند، آنان که بر اسبان تکیه می‌کنند، آنان که به کثرت اربه‌ها و قدرت عظیم سواران خود توکل دارند، اما به قدوس اسرائیل نگاه نمی‌کنند و از خداوند یاری نمی‌جویند.» بنابراین، پیامبران اتحاد‌های خارجی را محکوم می‌کنند. اغلب اتحاد‌های خارجی شامل سازش مذهبی می‌شد، زیرا اغلب خدایان این حاکمان خارجی با اسرائیل وارد رابطه می‌شدند و این امر اعتماد اسرائیل به خدای یگانه و حقیقی را به خطر می‌انداخت.

به دوم تواریخ ۱۶: ۷-۹ نگاه کنید: «در آن زمان، حَنَنیای رانی نزد آسا، پادشاه ب (دوم تواریخ ۱۶: ۷-۹ یهودا، آمد و به او گفت: «چون تو به پادشاه آرام تکیه کردی و نه به یهوه، خدای خود، لشکر پادشاه آرام از دست تو رهایی یافته است.» سپس در آیه ۸ می‌گوید: «آیا کوشی‌ها و لیبیایی‌ها لشکری قدرتمند با اربه‌ها و سواران بسیار نبودند؟ با این حال، وقتی به خداوند تکیه کردی، او آنها را به دست تو تسلیم کرد.» اگر به خداوند تکیه کنی، آنجا جایی است که رهایی، امنیت و محافظت را خواهی یافت - نه از جانب ملت‌های بیگانه. آیه ۹: «زیرا چشمان خداوند در سراسر زمین می‌چرخد و کسانی را که قلبشان کاملاً به او متعهد است، تقویت می‌کند. تو کار احمقانه‌ای انجام داده‌ای و از این پس در جنگ خواهی بود.» واکنش آسا چه بود؟ آسا به دلیل آن از رانی خشمگین شد. او چنان خشمگین شد که او را به زندان انداخت. این چیزی نبود که او می‌خواست بشنود.

فراتر از اتحاد‌های خارجی، پیامبران اغلب در مورد ظهور و سقوط بسیاری از ظهور و سقوط ملت‌ها (۳) ملت‌های خارجی نیز صحبت می‌کردند. شما به ویژه در اشعیا و ارمیا، پیشگویی‌هایی در مورد بابل، آشور، مصر، ادوم و موآب دریافت می‌کنید. نکته اصلی این است که سرنوشت همه ملت‌ها تابع قدرت مطلق خداوند است. بنابراین، قدرت‌های دشمن اسرائیل، چه بابل، آشور، مصر یا آرام، همگی توسط پیامبران صرفاً به عنوان ابزارهایی در دست خدا برای اجرای اهداف خود در نظر گرفته می‌شوند - گاهی

اوقات در قضاوت بر قوم خود مانند زمانی که آشور به پادشاهی شمالی حمله می‌کند. به همین دلیل است که وقتی به ارمیا می‌رسید، او هیچ همدردی با کسانی که می‌خواهند یوغ بابل را رها کنند و در برابر ظلم بابل مقاومت کنند، ندارد، زیرا ارمیا می‌گوید که این هدف خداست، اراده او برای آنها این است که مطیع بابل شوند. این قضاوت خداست. اما بعداً می‌دانیم که پس از اینکه یهودا به اسارت در بابل می‌رود، خداوند کوروش، حاکم پارس، را برمی‌خیزاند و سپس کوروش ابزار رستگاری در دست خدا می‌شود. خدا به قومش اجازه می‌دهد تا بازگردند و خود را از نو بسازند. بنابراین اینها نظرات مختصری در مورد مسائل سیاسی هستند.

د « معادشناسی و انتظارات مسیحایی. » پیامبران به طور د. آخرالزمان و انتظارات مسیحایی کلی در مورد آینده‌ای صحبت می‌کنند که در آن، در روز خداوند، داوری بر همه بی‌خدایان نازل خواهد شد و آینده‌ای از شادی و آرامش برای قوم خود خدا تحت حکومت پادشاه مسیحایی وجود خواهد داشت. بنابراین آن چشم‌انداز آخرالزمانی بلندمدت وجود دارد که در نهایت تمام تاریخ بشر به آن خواهد رسید، نقطه‌ای از کمال که در آن پادشاه مسیحایی بر تمام زمین سلطنت خواهد کرد. اشعیا می‌گوید لعنت برداشته خواهد شد و صلح و هماهنگی ایجاد خواهد شد، شمشیرها به گاو آهن و چیزهایی از این قبیل تبدیل می‌شوند.

**کتاب «مقدمه‌ای بر پیامبران عهد عتیق» نوشته آزادمرد: ملت و بنده رنج‌کشیده در ۱) فریمن، او از دو جریان پیشگویی مسیحایی صحبت می‌کند که از وعده‌ای که به ابراهیم در پیدایش ۱۲: داده شده، سرچشمه می‌گیرند. به یاد دارید که در پیدایش ۱۲، خداوند به ابراهیم می‌گوید: «من از تو ۳-۱ ملتی بزرگ خواهم ساخت «و سپس می‌گوید:» در تو و نسل تو، همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت.» فریمن می‌گوید این دو جریان پیشگویی وجود دارد که ریشه در آن وعده به ابراهیم دارند. یک جریان از آینده‌ای برای ملت اسرائیل صحبت می‌کند: «من از تو ملتی بزرگ خواهم ساخت.» آن ملت توسط پادشاه داوودی یا پادشاه مسیحایی که خواهد آمد، اداره خواهد شد. جریان دیگر پیشگویی بر کار مسیح به عنوان بنده رنج‌کشیده تأکید دارد؛ کسی که گناهان قوم خود را به دوش خواهد کشید، که در او همه ملت‌های زمین از طریق کار آن بنده رنج‌کشیده برکت خواهند یافت. من فکر می‌کنم نکته‌ای در این مورد وجود دارد. به آن دو جریان پیشگویی فکر کنید. یکی را می‌بینید، کار بنده رنج‌کشیده؛ تمرکز آنجا بر ظهور اولیه مسیح و تمام آنچه در ظهور اولیه مسیح دخیل بود - به ویژه مرگ فداکارانه و کفاردهنده او بر روی صلیب - است. این به وضوح پیام آن بخش‌ها، اوج کتاب اشعیا، در فصل ۵۳ اشعیا است، جایی که توصیف شگفت‌انگیزی از بنده رنج‌کشیده دارید که گناهان کسانی را که فرمان خدا را زیر پا**

گذاشته‌اند، به دوش می‌کشد. اما جریان دیگر پیشگویی در مورد «من شما را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد» است. این پیشگویی‌ها مربوط به آمدن دوم مسیح است، زمانی که آن پادشاه بزرگ مسیحایی، بی‌خدایان را مطیع خود خواهد کرد و پادشاهی خود را بر تمام زمین برقرار خواهد کرد.

حال، در این مرحله، قصد ندارم در مورد هیچ یک از مسائل مربوط به چگونگی درک روابط متقابل بین این دو جریان پیشگویی بحث کنم؛ اینکه آیا به دنبال تحقق آن جریان دوم، یعنی اسرائیل به عنوان یک ملت بزرگ، هستید یا خیر؛ اینکه آیا آن را در نوعی استقرار مجدد اسرائیل و پادشاهی هزار ساله در اینجا بر روی زمین جستجو می‌کنید. اینها سوالات دشواری هستند. اما، مطمئناً، پیامبران زمان قابل توجهی را صرف پرداختن به مسائل آخرالزمانی و نحوه تحقق هدف خدا فراتر از زمان عهد عتیق در ظهور اول و دوم مسیح کرده‌اند.

## 2) Vos

من فکر می‌کنم آنچه ووس می‌گوید این است که پیامبران پیام خود را از طریق قلب برای مرکز پادشاهی، که به شخص پادشاه داده شده بود، القا می‌کنند. کاهن مسئول اجرای قربانی‌ها، سنت و لایوان مسئول آموزش نقشی بودند که داشتند. لایوان در آموزش نقش داشتند و کاهنان در مراسم اجرا می‌کردند. ما نمونه‌هایی از سوءاستفاده به این روش داریم و پیامبران در مورد خطرات اشکال و آیین‌های شیطانی بدون نگرش قلبی مناسب نسبت به خدا صحبت می‌کنند. یک مثال واضح وجود دارد که الی و پسرانش به دلیل سوءاستفاده از سیستم قربانی قضاوت می‌شوند.

## پیامبران حقیقی و دروغین الف. اظهارات یک پیامبر - خداوند چنین می‌گوید. ۶.

بیا بید به بخش ۶ برویم، «پیامبران حقیقی و دروغین»، و الف. اظهارات یک پیامبر. «ما قبلاً به این موضوع اشاره کردیم، این واقعیت که پیامبران حقیقی و دروغین وجود دارند - آیا این مسئولیت بنی اسرائیلی را که به پیامبران حقیقی و نه پیامبران دروغین توجه می‌کنند، افزایش نمی‌دهد؟ ما همچنین قبلاً گفته‌ایم که خود پیامبران دانش بسیار فوری و قطعی از این واقعیت داشتند که پیامی که بیان می‌کردند، پیام خودشان نبود، بلکه پیام خدا بود. آنها می‌توانستند بین سخنان خود و سخنان خداوند تمایز قائل شوند. می‌توانیم نمونه‌هایی از آن را ببینیم. بنابراین یک پیامبر وقتی صحبت می‌کرد، یقین داشت که این کلام خداست. او می‌توانست بدون هیچ سایه شکی بداند که آنچه می‌گوید کلام خداست. اما این در مورد مردمی که پیامبران با آنها صحبت می‌کنند، صدق نمی‌کند. مردم چگونه می‌توانستند بدانند که آیا آنچه پیامبر گفته است واقعاً منشأ الهی دارد یا خیر، و آیا آنچه پیامبر ادعا می‌کند واقعاً درست است، یعنی اینکه او از جانب خدا صحبت می‌کند؟ ممکن است پرسید، آیا خود شاهدهی پیامبر کافی نیست زیرا پیامبران بارها

می‌گویند که پیامشان از جانب خداست؟ این مهم است، و من نمی‌خواهم آن را کوچک جلوه دهم. آنها  
 «همیشه پیام خود را اینگونه معرفی می‌کنند»: خداوند چنین می‌گوید

ب (حزقیال ۶: ۱۳)

اما مشکل این است که کسانی هم هستند که می‌آیند و می‌گویند پیامی از جانب خدا دارند و حتی از  
 آن زبان استفاده می‌کنند، «خداوند چنین می‌گوید»، در حالی که خداوند آنها را نفرستاده بود. به حزقیال  
 نگاه کنید، جایی که حزقیال می‌گوید: «رؤیاهای ایشان باطل و پیشگویی‌هایشان دروغ است.» این ۶: ۱۳  
 افراد چه کسانی هستند؟ اگر به آیه دوم برگردید، «به کسانی که از خیال خود نبوت می‌کنند بگویید: کلام  
 خداوند را بشنوید!» این همان چیزی است که خداوند متعال می‌گوید: «وای بر پیامبران نادان که از روح  
 خود پیروی می‌کنند و چیزی ندیده‌اند.» و در آیه ششم، «رؤیاهای ایشان باطل و پیشگویی‌هایشان دروغ  
 است. می‌گویند»: خداوند می‌گوید، «در حالی که خداوند آنها را نفرستاده است، با این حال انتظار دارند که  
 سخنانشان محقق شود.» بنابراین پیامبران دروغین از راه می‌رسند، و پیامبران دروغین در ادعای خود  
 مبنی بر اینکه سخنگوی خدا هستند، کمتر از پیامبران واقعی قاطع نیستند. بنابراین شما باید خودتان را در  
 موقعیت بنی اسرائیل باستان قرار دهید، جایی که می‌توانید بیرون بروید و بشنوید که یک پیامبر می‌گوید:  
 خداوند چنین می‌گوید. «او پیامی می‌دهد، و سپس پیامبر دیگری می‌آید و می‌گوید: خداوند چنین  
 می‌گوید.» و پیام متضادی می‌دهد. سپس باید تشخیص دهید که کدام یک پیامبر واقعی است، یا هیچ‌کدام  
 پیامبر واقعی نیستند؟

موضوع این سوال را مطرح می‌کند که بنی اسرائیل چگونه می‌توانستند پیامبران حقیقی و این  
 دروغین را از هم تشخیص دهند؟ این فقط یک مسئله نظری نیست، زیرا بر نحوه زندگی بنی اسرائیل تأثیر  
 می‌گذارد. آنها چگونه باید به پیامی که می‌شنیدند و اکنش نشان می‌دادند؟ سپس به تثنیه ۱۸ برمی‌گردیم،  
 همان بخشی که کل جنبش نبوت در آن بنا شده و از قبل توضیح داده شده است. تثنیه ۱۸: ۱۹ می‌گوید:  
 اگر کسی به سخنان من که پیامبر به نام من می‌گوید گوش ندهد، من خودم او را بازخواست خواهم  
 کرد. «بنابراین، بنی اسرائیل در برابر خدا مسئول بود که به سخنان پیامبر گوش دهد و به روشی که پیامبر  
 گفته بود رفتار کند. بنی اسرائیل چه باید می‌کرد وقتی دو پیام متناقض که از مسیرهای متضاد عمل حمایت  
 می‌کردند و هر دو به عنوان کلام خدا نشان داده می‌شدند، وجود داشت؟

یک نمونه کلاسیک از آن، که قبلاً به آن نگاه کردیم، در ارمیا ۲۷ و ۲۸ است، جایی که ج (ارمیا ۲۷  
 پیامبری به نام حنانيا از راه می‌رسد و می‌گوید: «خداوند چنین می‌گوید، یوغ بابل را بیندازید، در برابر آن  
 مقاومت کنید.» و قول می‌دهد که خداوند کمک خواهد کرد و ظرف دو سال، ظروف خانه خداوند به

اورشليم باز خواهد گشت. در همان زمان، ارميا از راه می‌رسد و برعکس می‌گوید: «تسلیم بابل شوید، آنچه حنانيا می‌گوید اتفاق نخواهد افتاد.» هر دو پیامبر از نام خداوند استفاده می‌کنند - که به پیام آنها اعتبار می‌بخشد. بنابراین شما این مسئله را درک می‌کنید، چگونه تفاوت بین پیامبران واقعی و دروغین را تشخیص می‌دهید؟ این مسئله قبلاً در تثنيه ۱۸، در آن قسمتی که جنبش نبوتی برقرار می‌شود، پیش‌بینی شده بود. در آیات ۲۱ و بعد از تثنيه ۱۸ می‌خوانید: «ممکن است با خود بگویید، چگونه می‌توانیم بدانیم که پیام توسط خداوند گفته نشده است؟» «البته، این سوال مطرح است. آنچه در ادامه می‌آید، یکی از راه‌های تشخیص پیامبر حقیقی از دروغین است. آیه ۲۲ می‌گوید: «اگر آنچه پیامبر به نام خداوند اعلام می‌کند، اتفاق نیفتد یا به حقیقت نپیوندد، آن پیامی است که خداوند نگفته است.» فکر می‌کنم کاملاً واضح است که اگر پیامبر بگوید چیزی قرار است اتفاق بیفتد، معلوم می‌شود که آن اتفاق نمی‌افتد - آن پیامبر کلام خداوند را نمی‌رساند، بلکه یک کلام دروغین را بیان می‌کند. این نمی‌تواند از جانب خداوند باشد. اما مشکل این است که این فقط در مورد چیزهایی صحبت می‌کند که در آینده اتفاق خواهند افتاد و تنها پس از اینکه هر آنچه تصور می‌شود یا اتفاق می‌افتد یا نمی‌افتد، اتفاق می‌افتد. بنابراین علاوه بر این، باید راه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که بتوان به این سوال پرداخت و آن را حل کرد.

ب. معیارهای اعتبارسنجی برای نبوت حقیقی

بیباید به بخش ب، «معیارهای اعتبارسنجی برای نبوت حقیقی» برویم. فکر می‌کنم وقتی به کل وضعیت نگاه می‌کنیم، حداقل پنج ملاحظه وجود دارد که نقش مهمی در توانمندسازی بنی‌اسرائیل برای تشخیص بین نبوت حقیقی و کاذب ایفا می‌کنند. می‌خواهم به پنج موردی که در آنجا تحت عنوان معیارهای اعتبارسنجی فهرست شده‌اند، نگاهی بیندازم. فکر می‌کنم وقتی به هر یک از این موارد نگاه می‌کنید، باید بگوییم که آنها به تنهایی کار نمی‌کنند. به عبارت دیگر، این معیارها به صورت ترکیبی عمل می‌کردند تا وسیله‌ای برای تشخیص بین پیامبران حقیقی و دروغین در اختیار بنی‌اسرائیل قرار دهند. بنابراین برخی از این موارد که بنی‌اسرائیل را قادر به تشخیص این تمایز می‌کرد، چه بودند؟

### شخصیت اخلاقی پیامبر (۱)

اول، «شخصیت اخلاقی پیامبر آنطور که در رفتار روزانه‌اش مشاهده می‌شود.» این اغلب به عنوان چیزی که نقشی ایفا می‌کند، مورد اشاره قرار گرفته است. من فکر می‌کنم گاهی اوقات بیش از حد بر آن تأکید شده است. اگر به صفحه هشتم در نقل قول‌های خود نگاه کنید، متوجه می‌شوید که هوبارت فریمن می‌گوید: «پیامبران دروغین با اخلاق پایین خود مشخص می‌شدند؛ از این رو، پیامبران واقعی و دروغین را می‌توان با یک آزمایش شخصی یا بیرونی تشخیص داد. پیامبر دروغین مزدوری بود که برای

استخدام نبوت می‌کرد (میکاه ۵: ۳، ۱۱؛ او شرابخوار بود) اشعیا ۷: ۲۸؛ (او بی‌دین و شرور بود) ارمیا ۲۳: ۱۱؛ او با دیگران برای فریب و کلاهبرداری توطئه می‌کرد (حزقیال ۲۲: ۴۵؛ او سبک و (۲۳: ۱۱ خیانتکار بود) صفنیا ۴: ۳؛ او مرتکب زنا می‌شد، در دروغ قدم می‌زد و از بدکاران حمایت می‌کرد (ارمیا ۱: ۲۳؛ و او عموماً در رفتار زندگی غیراخلاقی بود) ارمیا ۱۵: ۲۳. (حالا به تمام آن ارجاعات، تمام چیزهایی که می‌گوید نگاه می‌کنید؛ بله، آنها آنجا هستند. می‌بینید که این یک فرد درستکار و خداترس را به تصویر نمی‌کشد. او در ادامه می‌گوید: «علاوه بر این، پیامبر دروغین یک فرصت‌طلب مذهبی بود که فقط آنچه را که مردم منحرف می‌خواستند بشنوند، پیشگویی می‌کرد. او پیام خوش‌بینانه‌ای از صلح و رفاه را اعلام می‌کرد. او اغلب فال می‌گرفت و دروغ‌هایی را از قلب خود پیشگویی می‌کرد.» به اصل مطلب توجه کنید: «شخصیت اخلاقی خود پیامبر، گواهی بر اقتدار او بود. کسی که ادعای مأموریت الهی از جانب خدای مقدس اسرائیل را داشت، باید رفتار و شخصیتی مطابق با آن ادعا را منعکس کند.» می‌گوید: «از میوه خود آنها را خواهید شناخت.» بنابراین میوه بد و میوه خوب وجود دارد. 7: 15-20 بنابراین از میوه آنها آنها را خواهید شناخت. ما می‌توانیم به شخصیت اخلاقی پیامبر نگاه کنیم و این کمکی در تشخیص بین پیامبر واقعی و دروغین است.

حالا فکر می‌کنم این بررسی مهم است، اما فکر می‌کنم فریمن اینجا به وضوح قضیه را بیش از حد بزرگ می‌کند. دلیل اینکه این را می‌گویم این است که اگرچه این اشارات به فساد اخلاقی را در میان پیامبران دروغین می‌بینید، پیامبران دروغین دیگری نیز در عهد عتیق به تصویر کشیده شده‌اند که هیچ چیز از این نوع در مورد آنها گفته نشده است. حالا ما چیز زیادی در مورد حنانيا نمی‌دانیم، مثلاً در مورد شخصیت اخلاقی او چیزی گفته نشده است. فکر می‌کنم ممکن است برخی از پیامبران دروغین از نظر رفتار اخلاقی زندگی نمونه‌ای داشته باشند. بنابراین این یک روی سکه است.

سکه این است که ما نباید در مورد بی‌عیب و نقص بودن شخصیت اخلاقی پیامبران روی دیگر حقیقی اغراق کنیم، زیرا پیامبران حقیقی بی‌گناه نبودند. من فکر می‌کنم آنچه فریمن می‌گوید، به طور کلی، درست است - اینکه پیامبران حقیقی به عنوان افراد خداترس و پرهیزگاری که زندگی خدایسندانه‌ای داشتند، به تصویر کشیده می‌شوند. با این حال، با بلعام چه می‌کنید؟ او پیامبر حقیقی بود، اما به عنوان یک فرد خداترس به تصویر کشیده نمی‌شود؛ او یک پیشگوی بت‌پرست بود. با پیامبر پیری که مرد خدا را از یهودا در اول پادشاهان ۱۳ فریب داد، چه می‌کنید؟ کسی که برای نبوت علیه قربانگاه یربعام اسرائیل آمده بود. پیامبر پیر او به آن پیامبر دروغ گفت تا او را به خانه بیاورد و با او غذا بخورد. اما آن پیامبری که دروغ گفت، پیام حقیقی از جانب خداوند نیز داد. بنابراین من فکر می‌کنم شخصیت اخلاقی یک پیامبر باید مورد توجه قرار گیرد، اما به خودی خود برای ارائه مبنایی برای تشخیص بین یک پیامبر حقیقی و یک پیامبر دروغین کافی نیست. به دوم قرن‌تین ۱۳: ۱۱-۱۵ نگاه کنید: «زیرا چنین کسانی رسولان دروغین و

کارگزاران فریبکارند که خود را به شکل رسولان مسیح درمی‌آورند. و جای تعجب نیست، زیرا خود شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد. پس جای تعجب نیست که بندگان خود را به شکل بندگان پارسایی درآورند. عاقبت آنها همان خواهد بود که اعمالشان سزاوار آن است «بنابراین، بله، شخصیت اخلاقی یک پیامبر، متون زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد به طور کلی پیامبران حقیقی انسان‌های خداترسی بودند و پیامبران دروغین چنین نبودند. اما این چیزی قطعی نیست؛ باید به چیزهای دیگری نیز مرتبط باشد.

دومین ملاحظه یا معیار، «انجام آیات و معجزات» است. اغلب به آیات و انجام آیات و معجزات (۲) معجزات به عنوان یک معیار اعتبارسنجی مهم برای تمایز بین پیامبر حقیقی و دروغین اشاره می‌شود. اگر به نحوه عملکرد نشانه‌ها و عجایب در کتاب مقدس، به ویژه در عهد عتیق، نگاه کنید، خواهید دید که نشانه‌ها و عجایب در درجه اول برای تأیید کلام پیامبر و نشان دادن این هستند که پیامبر واقعاً کلام خدا را بیان می‌کند. نشانه‌ها و عجایب گواهی بر اصالت پیام هستند. به این ترتیب، نشانه‌ها و عجایب کمکی به ایمان هستند، به این معنی که آنچه پیامبر می‌گوید واقعاً کلامی از جانب خداست. در لوقا 10:13 عیسی به ساکنان خورزین می‌گوید: «اگر معجزاتی که در شما انجام شد در صور و صیدون انجام می‌شد، مدت‌ها پیش توبه می‌کردند و در پلاس و خاکستر می‌نشستند.» ببینید معجزاتی که در آنجا وجود داشت، کمکی به ایمان بود. در یوحنا 20:30-31 آمده است: «عیسی معجزات بسیار دیگری انجام داد که در این کتاب نوشته نشده است، اما اینها نوشته شده است.» چرا برخی از معجزات را شرح می‌دهیم؟ - «تا ایمان آورید که عیسی مسیح است.» «معجزات پیام او را تأیید می‌کنند. یوحنا ۱۴:۱۱ می‌گوید: «وقتی می‌گویم من در پدر هستم و پدر در من است، مرا باور کنید، یا حداقل به شواهد خود معجزات ایمان آورید.» «بنابراین نشانه‌ها و عجایب می‌توانند در تأیید سخنان یک پیامبر نقش داشته باشند.

به عهد عتیق، به فصل ۴ سفر خروج، برگردید. خداوند در فصل ۳ موسی را فراخواند تا اسرائیل را از بردگی مصر رهایی بخشد، اما موسی در فصل ۴ اعتراض می‌کند و می‌گوید: «آنها مرا باور نخواهند کرد یا به من گوش نخواهند داد، آنها خواهند گفت: خداوند بر تو ظاهر نشد.» موسی با خود فکر می‌کند: «چگونه می‌توانم با این مخالفت کنم؟ من می‌گویم: خداوند چنین می‌گوید! آنها می‌گویند: من تو را باور نمی‌کنم.» «خداوند به او گفت: 'آن چیست که در دست داری؟' او پاسخ داد: 'یک عصا. خداوند گفت: 'آن را بینداز.' موسی آن را به زمین انداخت و مار شد و او از آن فرار کرد. خداوند گفت: 'دستت را دراز کن و دم آن را بگیر.' پس موسی دست دراز کرد و مار را گرفت و در دستش عصا شد.» به آیه ۵ توجه کنید: «خداوند فرمود: این برای آن است که ایشان باور کنند که خداوند، خدای پدرانشان، خدای ابراهیم، خدای اسحاق، خدای یعقوب، بر تو ظاهر شده است.» سپس خداوند فرمود: «دستت را در ردای

خود فرو کن «پس موسی دست خود را در ردای خود فرو برد و چون آن را بیرون آورد، پوست آن جذام گرفته و مانند برف سفید شد. گفت:» حالا آن را دوباره در ردای خود بگذار «پس موسی آن را دوباره در ردای خود فرو برد و مانند بقیه بدنش سالم شد. سپس خداوند فرمود:» اگر به تو ایمان نیاورند یا به اولین نشانه معجزه آسا توجه نکنند، می‌توانند به دومی ایمان بیاورند. اما اگر به این دو نشانه ایمان نیاورند یا به تو گوش ندهند، مقداری آب از نیل بردار و آن را روی زمین خشک بریز. آبی که از رودخانه می‌گیری به خون تبدیل خواهد شد «بنابراین می‌بینید که خداوند در اینجا به موسی چه می‌گوید - او او را قادر می‌سازد تا نشانه‌ها و عجایب معجزه‌آسایی انجام دهد که تأیید کند آنچه می‌گوید از جانب اوست. و البته، آنچه پس از آن می‌آید، سوالی است که در فصل ۵ مطرح می‌شود و به فرعون دستور می‌دهد که بنی‌اسرائیل را برای پرستش خداوند به بیابان رها کند. و فرعون می‌گوید:» من به خداوند ایمان ندارم. چرا باید بگذارم شما بروید خداوند را پرستش کنید؟ «سپس با مجموعه‌ای کامل از نشانه‌های معجزه‌آسا، ده بلا، مواجه می‌شوید. با این جمله که «تا بدانید که من خداوند هستم. «بنابراین، آن معجزات به نشانه‌های تأییدکننده‌ای تبدیل می‌شوند که موسی از طرف یهوه صحبت می‌کند و اینکه یهوه وجود دارد و آنچه می‌گوید در واقع از جانب یهوه است.

فکر می‌کنم چیزی که شما پیدا می‌کنید در نقاط حساس تاریخ وحی و رستگاری است، نقاط عطفی وجود دارند که در این زمان‌ها به نظر من نشانه‌ها و شگفتی‌ها برای تأیید کلام پیامبر، در این مورد برای موسی، تکثیر می‌شوند. بنابراین نشانه‌ها و شگفتی‌ها مهم هستند و ما نباید اهمیت آنها را دست کم بگیریم.

اما در عین حال، فکر می‌کنم باید بپذیریم که یک نشانه یا معجزه به خودی خود برای جدا کردن پیامبران حقیقی و دروغین کافی نیست. دلیل آن این است که کتاب مقدس نیز تصدیق می‌کند که پیامبران دروغین قادر به انجام نشانه‌ها و عجایب هستند. حتی مصریان می‌توانستند سه بلای اول را تکرار کنند. آنها نمی‌توانستند از آن فراتر بروند. اما به متی 24:23 نگاه کنید. این در مورد ظهور دوم مسیح صحبت می‌کند:» در آن زمان اگر کسی به شما بگوید: نگاه کنید، مسیح اینجا است! یا او آنجاست! او را باور نکنید. زیرا مسیح‌های دروغین و پیامبران دروغین ظاهر خواهند شد و نشانه‌ها و معجزات بزرگی انجام خواهند داد تا حتی برگزیدگان را نیز فریب دهند، اگر چنین چیزی ممکن باشد «پولس در صحبت از ضد مسیح در دوم تسالونیکیان 2:9 می‌گوید که آمدن او «مطابق با کار شیطان است که در انواع معجزات، نشانه‌ها و عجایب جعلی نشان داده می‌شود «آنها معجزات جعلی دارند.

به تثنیه برمی‌گردید، این بار به فصل ۱۳. در آیات ۱-۴، موسی می‌گوید:» اگر پیامبری یا کسی که از طریق خواب پیشگویی می‌کند، در میان شما ظاهر شود و آیات یا شگفتی‌های معجزه‌آسا را به شما اعلام کند، و اگر آن آیه یا شگفتی که از آن سخن گفته است، به وقوع بپیوندد و پیامبر بگوید:» بیایید خدایان دیگری را که نمی‌شناسید، پیروی کنیم و آنها را بپرستیم «شما نباید به سخنان آن پیامبر یا

خواب‌بیننده گوش دهید. زیرا خداوند، خدای شما، شما را آزمایش می‌کند تا ببیند که آیا او را با تمام قلب و تمام روح خود دوست دارید یا خیر. شما باید از خداوند، خدای خود پیروی کنید و او را احترام بگذارید.» سپس در آیه ۵ آمده است: «آن پیامبر یا خواب‌بیننده باید کشته شود زیرا او علیه خداوند، خدای شما، شورش کرده است.» آن بخش در تثنیه ۱۳ می‌گوید که پیامبران دروغین نیز می‌توانند آیات و شگفتی‌ها را انجام دهند، اما شما نباید توسط آنها گمراه شوید. من فکر می‌کنم آنچه کتاب مقدس می‌گوید این است که نشانه‌ها و عجایب نقش بسیار مهمی در تمایز بین پیامبران حقیقی و دروغین دارند، اما به تنهایی تعیین‌کننده نیستند. شما باید واقعاً به پیام نیز نگاه کنید. می‌بینید، اگر یک نشانه یا معجزه در ارتباط با پیامی برای خدمت به خدایان دیگر باشد، می‌دانید که این کلام خداوند نیست و آن نشانه یا معجزه تجلی قدرت خدا نیست. بنابراین شما نمی‌خواهید اهمیت آن را کم‌اهمیت جلوه دهید زیرا آنها اغلب در کتاب مقدس به عنوان کمکی برای ایمان و وسیله‌ای برای تأیید کلام خدا به عنوان حقیقتاً از جانب خدا ارائه می‌شوند. اما باید در عین حال آگاه باشید که این احتمال وجود دارد که نشانه‌ها و عجایب توسط یک پیامبر دروغین که خود را به عنوان یک واعظ حقیقی جا می‌زند، انجام شود.

تحقق پیشگویی به عنوان معیاری برای تمایز پیامبران حقیقی و دروغین الف (تثنیه ۱۸) ۳)

بیاید به مورد سوم پردازیم، «تحقق پیشگویی به عنوان معیاری برای تشخیص پیامبران حقیقی و دروغین.» «ما قبلاً در تثنیه ۱۸ دیدیم که اگر پیشگویی به حقیقت نپیوندد، از جانب خدا نیست. و این قطعاً یک معیار معتبر است. این فقط به معنای منفی است، حتی اگر از جانب خدا نباشد، و فقط در آینده قابل اجرا است، زمانی که هر آنچه پیشگویی شده اتفاق بیفتد یا نیفتد. بنابراین شما نمی‌خواهید اهمیت آن را کم کنید زیرا آنها اغلب در کتاب مقدس به عنوان کمکی برای ایمان و وسیله‌ای برای تأیید کلام خدا به عنوان حقیقتاً از جانب خدا ارائه می‌شوند. اما باید در عین حال آگاه باشید که احتمال انجام نشانه‌ها و شگفتی‌ها توسط یک پیامبر دروغین که خود را به عنوان یک پیامبر حقیقی جا می‌زند، وجود دارد.

ب (اشعیا ۲۲:۴۱)

شما این را هم در عهد عتیق و هم در کتاب اشعیا ۲۲:۴۱ می‌بینید. به اشعیا ۲۲:۴۱ نگاه کنید: «بت‌های خود را بیاورید تا به ما بگویند چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا بت می‌تواند آینده را پیش‌بینی کند؟ به ما بگویند که وقایع گذشته چه بوده‌اند تا بتوانیم آنها را در نظر بگیریم و نتیجه نهایی آنها را بدانیم. یا از وقایع آینده برای ما بگویند، به ما بگویند که آینده چه خواهد بود تا بدانیم که شما خدایان هستید. کاری، چه خوب و چه بد، انجام دهید تا از ترس پر شویم.» «به آیه ۲۶ بروید:» چه کسی از ابتدا این را گفت تا ما بتوانیم از قبل بدانیم و بگویم:» او درست می‌گفت؟ «هیچ کس از این نگفت، هیچ کس این را پیشگویی

نکرد، هیچ کس از شما سخنی نشنید.» (به اشعیا ۴۸:۳ نگاه کنید): من چیزهای پیشین را از مدت‌ها پیش پیشگویی کردم، دهانم آنها را اعلام کرد و من آنها را آشکار ساختم؛ سپس ناگهان عمل کردم و آنها به وقوع پیوستند. زیرا می‌دانستم که چقدر سرسخت هستی؛ رگ و پی گردنت آهنین و پیشانی‌ت برنزی بود. بنابراین، من این چیزها را از مدت‌ها پیش به تو گفتم؛ قبل از اینکه اتفاق بیفتند، آنها را به تو اعلام کردم تا نتوانی بگویی، 'بت‌های من آنها را ساختند، خدای مجسمه چوبی و مدال من آنها را مقدر کرد! شما این چیزها را شنیده‌اید؛ به همه آنها نگاه کنید. آیا آنها را نمی‌پذیرید؟' «عیسی در یوحنا ۱۹:۱۳ گفت»: من اکنون قبل از وقوع به شما می‌گویم تا وقتی که اتفاق بیفتد، ایمان آورید که من او هستم.» (ببینید، ارائه مثبت تحقق پیشگویی به عنوان گواهی بر حقیقت آنچه او گفته است، وجود دارد.

اکنون متونی مانند این نشان می‌دهند که تنها خدا دانش لازم از آینده را دارد تا بتواند از قبل با دقت و انسجام درباره چیزهایی که قرار است اتفاق بیفتند، بگوید. این دقت و انسجام مهم است. من فکر می‌کنم که تنها خداست که می‌تواند به طور مداوم و دقیق درباره چیزهایی که قرار است در آینده اتفاق بیفتند، صحبت کند. بنابراین فکر می‌کنم تحقق پیشگویی به عنوان وسیله‌ای مهم برای اعتبارسنجی وحی الهی ارائه شده است.

### ج (تثنیه ۱۳)

اما محدودیت‌های خودش را هم دارد. به خودی خود تعیین‌کننده نیست و به تنهایی هم تعیین‌کننده نیست. در تثنیه ۱۳ متوجه شدید که ما در زیر نشانه‌ها و عجایب به آنها نگاه کردیم. مطمئناً پیش‌بینی‌ها باید در آنجا گنجانده شوند «اگر پیامبری یا کسی که از طریق خواب پیشگویی می‌کند در میان شما ظاهر شود و به شما یک نشانه یا معجزه معجزه‌آسا اعلام کند و اگر آن نشانه یا معجزه اتفاق بیفتد»، به عبارت دیگر، اگر آنچه او پیش‌بینی می‌کند واقعاً اتفاق بیفتد». اما او می‌گوید: «بباید خدایان دیگر را پرستش کنیم»، می‌توانید مطمئن باشید که او کسی نیست که پیامش از جانب خدا باشد.» «من فکر می‌کنم در موقعیت‌های خاصی که حتی پیشگویان و فالگیران می‌توانستند پیش‌بینی درستی ارائه دهند، قطعاً این امر امکان‌پذیر است. اعمال رسولان ۱۶:۱۶ می‌گوید: «روزی وقتی به مکانی برای دعا می‌رفتیم، کنیزی به ما برخورد که روحی داشت که با آن آینده را پیش‌بینی می‌کرد. او با فالگیری برای صاحبانش پول زیادی به دست آورد. این دختر به دنبال پولس و بقیه ما فریاد می‌زد: «این مردان بندگان خدای متعال هستند که راه نجات را به شما نشان می‌دهند.» «من فکر می‌کنم این دنیای شیطانی ارواح، با توجه به شرایط فعلی، می‌تواند در چارچوب پارامترهای محدودی از آینده آگاه باشد. ممکن است گاهی اوقات متوجه شوید که یک پیشگوی بت‌پرست واقعاً چیزی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، یک پیش‌بینی به تنهایی دلیلی بر این نیست که پیامبری که آن را بیان می‌کند، سخنگوی تضمین‌شده‌ای از جانب خداست.

نکته دیگر در این مورد این است که، همانطور که قبلاً در تثنیه ۱۸ صحبت کردیم، اگر چیزی به وقوع نپیوندد، از جانب خدا نیامده است. شما فقط می‌توانید این را در آینده به کار ببرید و اگر پیشگویی مربوط به آینده‌ای دور باشد، هیچ‌کس که پیام اصلی را بشنود، وجود نخواهد داشت. بنابراین عدم تحقق آن مهم است، اما محدودیت‌های خود را دارد.

من از فصل‌های اولیه کتاب ایوب برای فکر کردن به این موضوع استفاده کرده‌ام که خداوند شیطان را در چارچوب‌های خاصی به بند می‌کشد. شیطان مجاز است هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. او نمی‌تواند جان ایوب را بگیرد، بنابراین در بند است. اما در چارچوب آن چارچوب‌ها می‌تواند از قبل بداند که چه کاری قرار است انجام دهد، بنابراین دانای کل نیست. اما دانش محدودی از آینده وجود دارد در لوح‌های ماری، پیامبران آینده را پیش‌بینی نمی‌کردند. بخشی از مشکل این بود که در خارج از کتاب مقدس، هیچ مجموعه دیگری از پیش‌بینی‌های نبوی به این گستردگی و توالی در طول قرن‌ها با یک روند منسجم از حرکات از قرنی به قرن دیگر پیدا نمی‌کنید. این مجموعه رشد و توسعه می‌یابد. هیچ چیز قابل مقایسه‌ای وجود ندارد و به نظر من، این خود گواهی بر حقیقت ادعاهای کتاب مقدس است.

#### ۴. مطابقت با وحی پیشین

فکر می‌کنم اینجا معیار اعتبارسنجی حیاتی وجود دارد، و آن مربوط به بند ۴، «انطباق با وحی قبلی» است. این سیر تکاملی وجود دارد. بنابراین پیشگویی جدید فقط می‌تواند بر اساس آنچه قبلاً گفته شده بنا شود و نمی‌تواند آن را نقض کند. حنّای نبی می‌آید و می‌گوید «صلح»، اما اسرائیل نمی‌تواند انتظار صلح داشته باشد زیرا آنها از خداوند پیروی نمی‌کنند و باید انتظار داوری داشته باشند. این با وحی‌های قبلی سازگار نیست. ما شروع به دریافت چیزی می‌کنیم که در ترکیب با برخی از این معیارهای دیگر، وسیله‌ای برای تمایز فراهم می‌کند. اما با حنّانیا آن پیش‌بینی کوتاه‌مدت وجود دارد و با دو سال حنّانیا خواهد بود.

این نحوه همکاری این معیارها است که با روشن‌بینی توسط روح خدا که همچنین ضروری است. بند ۵، «روشن‌بینی توسط روح خدا که آن نیز ضروری است» همراه است. دفعه بعد بیشتر به شماره‌های ۴ و ۵ نگاه خواهیم کرد.

رونویسی توسط: تسا وایت، سارا هاوکینز، بریانا اوریگما، کزیا پارک، هیلی پومروی (ویراستار)  
 رونویسی توسط: ناما مندس، آنا پیرا، لورا ناکس، آندره‌آ مسترانجلو، تد هیلدبرانت، سرین کینگ (ویراستار)  
 ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت

ويرايش نهايي توسط كيتي الس  
روايت مجدد توسط تد هيلدبرانت